



نگاهی به اختصاصات امام حسین(ع) از زبان آیت‌الله العظمی مظاهری

آیت‌الله العظمی مظاهری، از مراجع عظام تقلید در درس اخلاق خود به تشریح برخی از ویژگی‌های منحصر به فرد امام حسین(ع) مانند رسوخ حرارت محبت امام حسین(ع) در دل مؤمنین، تربت امام حسین(ع) شفای دردها، حیات اسلام مدیون خون امام حسین(ع) و... پرداختند.

آیت‌الله العظمی مظاهری، از مراجع عظام تقلید در درس اخلاق خود به تشریح برخی از ویژگی‌های منحصر به فرد امام حسین(ع) مانند رسوخ حرارت محبت امام حسین(ع) در دل مؤمنین، تربت امام حسین(ع) شفای دردها، حیات اسلام مدیون خون امام حسین(ع) و... پرداختند.

به گزارش خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، آیت‌الله العظمی مظاهری، از مراجع عظام تقلید در درس اخلاق روز پنج‌شنبه، اول تیرماه برابر با نخستین روز شعبان المعظم، به ایراد سخنانی با عنوان «#171& ویژگی‌های منحصر به فرد امام حسین(ع)» پرداخت. متن سخنرانی آیت‌الله مظاهری به شرح ذیل است:

بسم الله الرحمن الرحيم

#171& رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِّنْ لِّسَانِي يَفْقَهُوا قَوْلِي

با تبریک حلول ماه شعبان و نیز تبریک فرارسیدن اعیاد مهم و بزرگ ابتدای این ماه عزیز، یعنی میلاد پربرکت امام حسین(ع)؛ سلام‌الله‌علیه، ولادت با سعادت امام چهارم، امام سجاد(ع) و میلاد پربرکت حضرت ابوالفضل(ع) در این جلسه مقداری راجع به امتیازهای امام حسین(ع) صحبت خواهیم کرد و قطره‌ای از فضائل ایشان را بیان می‌نماییم.

ویژگی‌های منحصر به فرد امام حسین(ع)

امام حسین(ع)، امتیازهایی دارند که احدی حتی رسول خدا(ص) و امیرالمؤمنین(ع) و حضرت زهرا(س) ندارند و هرکدام از آنها، افتخاری برای شخص امام حسین(ع) است.

رسوخ حرارت محبت امام حسین(ع) در دل مؤمنین

اولین امتیازی که پیغمبر اکرم(ص) گوشزد کرده‌اند و تا روز قیامت نیز باقیست، این است که علاقه خاصی راجع به امام حسین(ع)؛ سلام‌الله‌علیه در دل همگان وجود دارد. پیغمبر اکرم(ص) می‌فرمایند: عشق و حرارتی در دل مردم و مؤمنین راجع به امام حسین(ع) هست که خاموش شدن نیست:

#171& إِنَّ لِقَتْلَ الْحُسَيْنِ حَرَارَةً فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لَا تَبْرُدُ أَبَدًا [1]

از نظر فضیلت، همه چهارده معصوم مانند یکدیگر هستند. از نظر علم، قدرت، شجاعت و... و همچنین از نظر اینکه هرکدام وظیفه خود را به درستی شناخته و صد در صد به آن عمل نمودند، همه مثل هم هستند، چنانکه در زیارت جامعه کبیره می‌خوانیم:

#171& خَلَقَكُمْ اللَّهُ أَنْوَارًا فَجَعَلَكُمْ بَعْزُهُمْ مُّحَدِّقِينَ حَتَّى مَنَّ عَلَيْنَا بِكُمْ فَجَعَلَكُمْ فِي بُيُوتِ أَذْنِ اللَّهِ أَنْ تُرْفَعَ [2]

همه شما مثل هم هستید و همگی نورهایی در عرش خداوند بودید و خداوند متعال بر ما ممت گذاشت و آن انوار مقدس را به عالم ناسوت و در ابدان مظهر شما قرار داد. ابدانی که قرآن کریم درباره‌اش می‌فرماید: #171& فِي بُيُوتِ أَذْنِ اللَّهِ أَنْ تُرْفَعَ [3]

اما محبت و عشق و علاقه مردم به امام حسین(ع) امتیازی برای ایشان به شمار می‌رود. حرارت محبت امام حسین(ع) در دل‌ها به اندازه‌ای است که راجع به امیرالمؤمنین علی(ع) و امام حسن مجتبی(ع) یا حتی شخص پیغمبر اکرم(ص) نیست. نام مبارک امام حسین(ع) دل‌های مردم، خصوصاً شیعیان را دگرگون می‌کند. به همین علت، در میان مردم، علاقه خاصی نسبت به زیارت ابی عبدالله

نقل شده است: متوکل عباسی، که امیرالمؤمنین(ع) در نهج البلاغه پیش‌گویی می‌کنند و از او به عنوان شقی‌ترین افراد در بنی‌العباس نام می‌برند، دستور داد هر که می‌خواهد به زیارت امام حسین(ع) برود، باید دست راستش را بدهد. با این وجود، شیعه فوج فوج برای زیارت می‌آمدند و در مقابل جلاد دست خود را دراز می‌کردند تا قطع کند و آنگاه به زیارت می‌رفتند. یک کسی آمد و دست چپش را جلو آورد. جلاد گفت: باید دست راست را بدهی. آن شخص پاسخ داد: دست راستم را سال گذشته در راه امام حسین(ع) دادم و الان می‌خواهم دست چپم را بدهم تا به زیارت بروم!

تربت امام حسین(ع) شفای دردها

امتیاز دومی که امام حسین «#؛سلام‌الله‌علیه» دارند، تربت ایشان است. این امتیاز نیز خاص آن امام بزرگوار است، چنان‌که هیچ کس حق ندارد از روی قبور مطهر ائمه بقیع، خاک بردارد. حتی کسی اجازه ندارد خاک قبر منور امیرالمؤمنین «#؛سلام‌الله‌علیه» را بردارد یا بخورد، اما برداشتن و یا خوردن کمی از تربت امام حسین «#؛سلام‌الله‌علیه»، به عنوان شفا و استشفاء، خوب است و در روایات مختلفی وارد شده است که معصومین «#؛سلام‌الله‌علیهم» فرمودند: «#؛وَالشِّقَاءُ فِي ثُرْبَتِهِ» [4]

این مطلب، از امتیازات خاص امام حسین(ع) است که در خاک کربلا، چهار فرسخ در چهار فرسخ، تربت و مایه شفا قرار داده شده است. علاوه بر اینکه در روایت وارد شده که تربت امام حسین(ع) موجب شفاست، به تجربه نیز اثبات شده است که تربت اباعبدالله الحسین(ع) دردهای بی درمان را شفا می‌دهد. بزرگی می‌گفت: یک زالو در گلوئی کسی رفته بود و نزدیک بود خفه شود، من مقداری تربت در حلق او ریختم، ناگهان آن زالو بیرون آمد.

حضرت آیت‌الله خوئی فرموده بودند: چشم‌های من درد گرفت و نزدیک بود نابینا شوم. همه دکترها نیز از درمان آن عاجز بودند. سببش هم این بود که یک مجلس عزای زنانه در خانه داشتیم و چون مزاحم درس و مطالعه من بود، آن را تعطیل کردم. همسر من گفت: بود که خواب دیده کسی به او گفته است: دوی درد چشم شوهر تو، تربت امام حسین(ع) است. پس از برخاستن از خواب، مقداری تربت در آب ریخته و ایشان را بیدار کرده بود و مقداری از آن آب را به پشت چشم آیت‌الله خوئی مالیده بود و چشمان ایشان خوب شد. نظیر این واقعه زیاد رخ داده است.

استاد بزرگوار ما حضرت آیت‌الله العظمی بروجردی می‌فرمودند: چشم‌های من در جوانی خیلی کم سو بود. در ماه محرم وقتی دسته عزاداری به خانه ما آمد، برخی از افراد گل به سر مالیده بودند. سینه‌زن‌ها دور حیات حرکت می‌کردند تا این‌که به من رسیدند. من مقداری از گل سر یکی از آنها را گرفتم و به پشت چشم مالیدم و از آن پس، به عینک احتیاج نداشتم. من حضرت آیت‌الله العظمی بروجردی را می‌دیدم که پیرمرد نود ساله‌ای بودند و عینک نمی‌زدند و چشم‌هایشان مانند چشم جوانان بود.

یکی از بزرگان می‌گفت: من ضعف بینایی داشتم. برای اربعین به کربلا می‌رفتم. در بین راه عرب‌ها با پای برهنه به کربلا می‌آمدند و من مقداری از گل درز انگشت عربی را به عنوان شفا به پشت چشم مالیدم و بعد از آن احتیاج به عینک نداشتم. من آن پیرمرد و آن آقای بزرگوار را می‌دیدم که در سن نودسالگی در تاریکی مسجد بالاسر، بدون عینک قرآن می‌خواند!

این وقایع از اختصاصات امام حسین(ع) است. خاک تربتش شفا می‌دهد، خاک کربلا شفاست، ولو اینکه گل لای درز پای یک زائر باشد.

مطلوبیت همیشگی عزاداری امام حسین(ع)

ویژگی خاص دیگری که در مورد امام حسین(ع) منحصربه‌فرد است، سفارش مؤکد و فراوان به عزاداری و زیارت ایشان است. عزاداری و گریه کردن در روز شهادت و عزای اهل بیت(ع)، لازم و شایسته است. عزاداری در سال‌روز رحلت پیغمبر اکرم(ص) و شهادت امیرالمؤمنین(ع) و شهادت حضرت زهرا(س)، بسیار به‌جا و نیکوست. اما برای هیچ‌کدام از معصومین «#؛سلام‌الله‌علیهم» به اندازه عزاداری برای امام حسین «#؛سلام‌الله‌علیه» سفارش نشده است.

در زمان امام صادق(ع) نمی‌گذاشتند کسی عزاداری کند، ولی امام صادق(ع) مقید بودند که اگر یک مداحی پیدا کنند، جلسه عزا برپا نمایند. در همان محل پرده می‌کشیدند و زن‌ها این طرف و مردها آن طرف قرار می‌گرفتند و مداح شروع به روضه خوانی می‌کرد و امام صادق(ع) بلندبلند گریه می‌کردند. اگر مداح می‌خواست عزاداری را تمام کند، امام(ع) از او می‌خواستند که مقداری بیشتر بخواند. [5]

هَمَّةُ اَئِمَّةِ طَاهِرِينَ(ع) به امثال این عزاداری‌ها مقید بودند. نه تنها اهل بیت(ع) برای امام حسین(ع) عزاداری می‌کردند، بلکه خداوند متعال و جبرئیل برای حضرت آدم و حضرت موسی(ع) مصیبت امام حسین(ع) را خوانده‌اند و آن دو پیامبر و بسیاری از انبیای دیگر برای امام حسین(ع) گریه کرده‌اند.[6]

ثواب عزاداری امام حسین(ع) نیز شگفت‌آور است. راوی می‌گوید: خدمت امام صادق(ع) رفتم. حضرت فرمودند: جلسهٔ عزا و ذکر مصائب ما را برپا می‌کنید؟ گفتم: بله. امام فرمودند: این کار احیای امر ولایت است و به این جلسات اهمیت دهید. سپس تأکید کردند: هرکسی، در نزد او از ما یاد شود و به قدر بال مگسی گریه کند و اشک از چشمانش خارج شود، بهشت برای او واجب می‌شود.[7]

نظیر این روایت، فراوان است. البته به قول امام صادق(ع)؛ «سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهِ»، این جلسات 171#&؛ احیای امر ولایت است. امام حسین(ع) اسلام را زنده کردند و اسارت خانوادهٔ ایشان، آن را سرتاسری کرد و ابقاء خون امام حسین(ع)، به وسیلهٔ عزاداری‌هاست. عزاداری برای هَمَّةُ اَئِمَّةِ طَاهِرِينَ(ع)؛ 171#&؛ سلام‌الله‌علیهم» ثواب دارد و باید برقرار باشد؛ اما راجع به عزاداری امام حسین(ع)، باید اهمیت فوق‌العاده‌ای بدهیم؛ همان‌گونه که ائمهٔ طاهریین(ع) نیز در ماه محرم و مخصوصاً در دههٔ اول آن تبسم نداشتند، سیاه‌پوش بودند و عزاداری می‌کردند، ما نیز باید در مواقع مختلف، جلسات عزاداری و روضه‌خوانی برپا نماییم.

فداکاری خاص امام حسین(ع)

یکی از امتیازات بزرگ امام حسین(ع) که مهم‌تر از همهٔ امتیازاتی است که تا کنون برشمردیم، گذشت، ایثار و فداکاری امام حسین(ع) راجع به دین است. پیغمبر اکرم(ص)، هشتاد و چهار جنگ سخت و طاقت‌فرسا را پشت سر گذاشتند. امیرالمؤمنین(ع) سی سال عمر مبارک خویش را با مظلومیت تمام سپری کردند، مخصوصاً در پنج سال حکومت، بسیار مورد آزار و اذیت واقع شدند. سایر ائمهٔ طاهریین(ع) نیز برای دین، زحمات فراوانی کشیدند و جان‌فشانی و فداکاری کردند؛ اما آن امامی که همه چیزش را برای دین فدا کرد و حاضر شد برای بقای اسلام، عیال و خانواده‌اش را به اسارت ببرند و حتی طفل شیرخوارش را نثار احیای سنت جدش کرد، امام حسین(ع) بود. فداکاری خاص در موقعیتی ویژه، تا جایی که موجب شهادت یاران و برادران و فرزند شیرخوار و نیز اسارت حضرت زینب(س) و امام سجاد(س) شود، از اختصاصات و امتیازات ویژهٔ امام حسین(ع) است.

البته همان‌طور که قبلاً نیز بارها متذکر شده‌ایم، این بدان معنی نیست که اگر امام دیگری در جایگاه امام حسین(ع) قرار می‌گرفت، چنین فداکاری نمی‌کرد؛ آن بزرگواران 171#&؛ نور واحد» هستند و در فضائل و صفات نیکوی اخلاقی تفاوتی با هم ندارند. چنان‌که اگر هرکدام در جایگاه دیگری قرار می‌گرفتند، همان وظیفه‌ای را انجام می‌دادند که آن امام بزرگوار انجام داده است. پیامبر اکرم(ص) فرمودند:

الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَ إِنَّهُمَا إِمَامَانِ قَامَا أَوْ قَعَدَا [8]

بنابراین آنچه موجب برخورداری امام حسین(ع) از این ویژگی شده است، موقعیت زمانی دوران حیات آن حضرت می‌باشد که منجر به انجام وظیفه توسط ایشان در کربلا شد. اما به هر حال سایر معصومین(ع) زمینهٔ چنین انجام وظیفه‌ای در دوران زندگانی خود نداشتند و از این جهت می‌توان گفت: این میزان ایثار و فداکاری از کسی غیر از امام حسین(ع) در طول تاریخ و در عالم هستی دیده نشده است.

حیات اسلام مدیون خون امام حسین(ع)

امتیاز مهم دیگری که امام حسین(ع) دارند، این است که اگر امام حسین(ع) و واقعهٔ کربلا نبود، الان تشیع و بلکه اسلام وجود نداشت. وقتی مروان، امام حسین(ع) را به بیعت با یزید دعوت کرد، امام فرمودند:

171#&؛ وَ عَلَى الْإِسْلَامِ السَّلامُ إِذْ قَدْ بُلِّيَتِ الْأُمَّةُ بَرَاءَعٌ مِثْلَ يَزِيدٍ». [8]

با روی کار آمدن یزید، اسلام در مخاطرهٔ عجیبی واقع شد و چیزی از سنت نبوی و تشیع باقی نماند. قیام امام حسین(ع)، اسلام را زنده کرد. اسارت عیال و خانواده، خون آن حضرت و پیام ایشان را سرتاسری کرد. سپس، عزاداری‌های ائمهٔ طاهریین(ع) و سفارش به برگزاری جلسات عزا به وسیلهٔ شیعیان، اسلام را بیمه کرد و تشیع را زنده نمود.

هَمَّةُ اَهِلِ بَيْتِ(ع) برای احیای اسلام تلاش کردند و همهٔ آنها در راه اسلام شهید شدند. همهٔ آنها راجع به حفظ اسلام، به اندازه‌ای که ممکن بود، صددرد و وظیفه را شناختند و به آن عمل کردند. اما در زمان امام حسین(ع)، با شهادت ایشان، اسلامی که در شرف مرگ

بود، نجات یافت و امام توانستند ظلم را نابود کنند و معنای عدالت را به مردم بفهمانند. به عبارت دیگر، خون امام حسین(ع) توانست اسلام عزیز را زنده کند.

محبت ویژه پیامبر اکرم(ص) به امام حسین(ع)

پیغمبر اکرم(ص) محبت و علاقه شدیدی به امام حسین(ع) داشتند. در روایات می‌خوانیم: وقتی پیغمبر اکرم(ص) بر فراز منبر بودند و امام حسین(ع) که یک کودک سه یا چهار ساله بودند وارد می‌شدند، پیامبر(ص) از منبر پایین می‌آمدند، ایشان را در بغل می‌گرفتند و روی منبر می‌نشستند و از او حسابی تعریف می‌کردند. حتی اگر امام حسین(ع) هنگام خطبه خواندن پیامبر به زمین می‌خوردند، حضرت سریع پایین می‌آمدند، ایشان را بغل می‌کردند و مجدداً به خطبه خود ادامه می‌دادند. [9] گاهی امام حسین(ع) را نوازش می‌کردند، روی شانه‌های خود سوار می‌کردند یا روی زانوهای خود می‌نشاندند و می‌فرمودند:

&171#أَنْتَ الْإِمَامُ ابْنُ الْإِمَامِ أَخُو الْإِمَامِ تِسْعَةَ مِائَةٍ وَلَدَكَ أَيْمَةٌ أَبْرَارٌ تَسِعُهُمْ قَائِمُهُمْ» [10]

یا حسین! تو امامی، پدرت امام است و برادرت امام است و نه نفر از ابناء و فرزندان تو امام هستند و نهمین آنها کسی است که قیام می‌کند و به دست او، عدالت اسلامی سرتاسر جهان را می‌گیرد. بارها این جمله را در مورد امام حسین(ع) می‌فرمودند. گاهی از اوقات نیز روضه می‌خواندند و گلوی امام حسین(ع) را می‌بوسیدند و به مردم می‌فرمودند: این فرزندم را برای دین، در کربلا کشته می‌شود. [11]

ضرورت تأسی به امام حسین(ع)

امام صادق(ع) در شعری که منسوب به ایشان است، می‌فرماید:

&171#تَعْصِي الْإِلَهِ وَ أَنْتَ تُظَهِّرُ حُبَّهُ هَذَا مُحَالٌ فِي الْفِعَالِ بَدِيعٌ

لَوْ كَانَ حُبُّكَ صَادِقًا لَأُطِغَتْهُ إِنَّ الْمُحِبَّ لِمَنْ يُحِبُّ مُطِيعٌ» [12]

حضرت می‌فرماید: گناه می‌کنی و اظهار محبت می‌کنی؟! اگر کسی به راستی محبت به کسی دارد، باید مطیع او باشد. این مطلب را امام صادق(ع) راجع به خداوند فرموده است، ولی راجع به اهل بیت(ع) نیز قضیه به همین صورت است.

بارها به همگان، مخصوصاً به جوان‌ها گفته‌ام و اکنون تکرار می‌کنم که شیعیان الحمدلله تاسرحدّ عشق، اهل بیت(ع) را دوست دارند و این عالی است و باید شکرگزار این نعمت خود باشند، اما متأسفانه در اطاعت و متابعت از امام حسین«# سلام‌الله‌علیه و اهل بیت(ع) کمبود و کاستی فراوانی وجود دارد.

امام حسین(ع) در ظهر روز عاشورا نماز جماعت خوانده‌اند، ما هم برای تأسی به ایشان باید به نماز اول وقت و جماعت اهمیت دهیم. کسی نمی‌تواند مدعی شود من حسینیم، اما راجع به نماز بی‌تفاوت باشد.

در روز عاشورا وقتی به ایشان گفتند ظهر شده و وقت نماز است، امام حسین(ع) تبسم کردند و به آن فرد فرمودند: خداوند تو را از نمازگزاران حساب کند. امام حسین(ع) نماز عجیبی در جبهه و در وسط میدان که تیر مثل باران می‌بارید، خواندند. معنای این حرکت امام(ع) این است که ما نیز باید نمازخوان باشیم و به نماز در همه حالات اهمیت بدهیم. همه زائران امام حسین(ع) و کسانی که زیارت حضرت را می‌خوانند، در زیارت ایشان می‌گویند:

&171#أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَ آتَيْتَ الزَّكَاةَ وَ أَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ» [13]

شهادت می‌دهیم که شما نماز خواندید، نماز را زنده کردید، اهل خدمت به خلق خدا بودید و امر به معروف و نهی از منکر کردید.

امام حسین(ع) همه چیز، حتی فرزند شیرخواره خود را برای احیای دین و حفظ آن فدا کردند، ما نیز باید با ایثار و گذشت و فداکاری راجع به دین، در تقویت و زنده‌نگه داشتن آن گام برداریم. باید راجع به سایر مسلمان‌ها، به هر اندازه که می‌توانیم کمک و مساعدت کنیم. در عمل باید همگی مطیع امام حسین(ع) باشیم و امر به معروف و نهی از منکر کنیم.

مسلمانان و مخصوصاً شیعیان باید با هم آشتی باشند و با صلح و صفا و صمیمیت زندگی کنند. باید قهر و بی‌اعتنایی، غیبت، تهمت، شایعه پراکنی و ... در بین آنان وجود نداشته باشد.

امام حسین(ع) با وجود مشکلات و خطرات فراوان به کربلا آمدند تا عفت و عصمت را زنده کنند، ما نیز باید فضائل مهم حیا، عفت و غیرت را در خانه و اجتماع و مخصوصاً برای زن و فرزندان خود زنده کنیم. همه باید به حجاب و عفاف و مخصوصاً به چادر اهمیت بدهند. فساد اخلاقی، بی‌حجابی، بی‌عفتی و بی‌غیرتی باید در جامعه ارادتمند به امام حسین(ع) نباشد. معنا ندارد کسی خود را مرید امام حسین(ع) بداند و به ایشان اظهار ارادت کند، اما زن و فرزندان او بدحجاب و یا بی‌حجاب باشند!

زنان و دخترانی که تا سرحدّ عشق، حضرت زهرا(ع) را دوست دارند، اما چادر سر کردن را سخت می‌دانند، حتی آن را بی‌ارزش و خرافه قلمداد می‌کنند، چگونه می‌توانند ادعا کنند که محبت حقیقی حضرت فاطمه(ع) هستند؟ کار به جایی رسیده که گاهی دخترها از ازدواج با یک مرد باغیرت که زن چادری می‌خواهد منصرف می‌شوند، مبدا چادری شوند! یعنی بین ازدواج و بی‌چادری، بی‌چادری را انتخاب می‌کنند.

ارکان ایمان و تشیع

مکرراً در روایات با تعبیر مختلف فرموده‌اند که شیعه ما کسی است که به ولایت عقیده داشته باشد، شعار ولایت سر دهد و در زندگی از ولایت متابعت داشته باشد. همه اهل بیت(ع) فرموده‌اند: ایمان سه رکن دارد: عقیده، گفتار و کردار.

&171#الإيمان إقرارٌ باللسان و معرفةٌ بالقلب و عملٌ بالأركان»[14]

حتی در روایات فرموده‌اند: اگر عمل نباشد، کفر عملی است. کسی که نماز نخواند و زکات ندهد و کسی که گناه در زندگیش فراوان باشد، ائمه طاهرين &171#سلام‌الله‌عليهم»، از او سلب ایمان می‌کنند و حتی قرآن کریم نیز او را کافر می‌دانند!

لذا به شکرانه نعمت ولایت و محبت امام حسین(ع) و توفیق برگزاری جلسات جشن ولادت و عزاداری شهادت اهل بیت(ع) باید در عمل کوشا باشیم. باید به‌گونه‌ای رفتار کنیم که امام حسین &171#سلام‌الله‌عليه و سایر ائمه طاهرين(ع) از اعمال ما راضی باشند.

گناه شیعه، شرمندگی امام زمان(عج)

جوان‌ها! گناه شیعیان موجب می‌شود که امام زمان(ع) در پیش خداوند شرمنده شوند. سید بن طاووس می‌گوید: در سرداب مطهر شنیدم که امام زمان(عج) با خداوند مناجات می‌کنند و با گریه و زاری می‌فرمایند: خدایا! این شیعیان ما گناه می‌کنند و ما را در پیش تو خجالت‌زده می‌کنند؛ خدایا! این شیعیان ما را هدایت کن و گناهان شیعیان ما را بیامرز!

ما موظفیم در زندگی موجب سرافرازی امام زمان(ع) باشیم، و در مقابل ایشان نیز خود را روسفید کنیم، نه این که امام زمان(ع) از گناه ما در پیش خداوند شرمنده شوند.

پی‌نوشت‌ها:

=====

[1]. مستدرک الوسائل، ج 10، ص 318.

2. من‌لایحضره‌الفقیه، ج 2، ص 613.

3. نور: 36.

4. الأمالی للطوسی، ص 317.

5. ثواب الأعمال، ص 84.

6. ر.ک: بحار الأنوار، ج 44، صص 242-245؛ جامع الأخبار، ص 23 و ...

7. قرب الاسناد، ص 18.

8. بحار الأنوار، ج 36، ص 288

9. اللهوف، ص 24.

10. بحار الأنوار، ج 43، ص 295.

11. بحار الأنوار، ج 36، ص 291.

12. مثير الأحزان، ص 18.

13. الامالی الصدوق، ص 489.

14. الكافي، ج 4، ص 574.

15. امالی الصدوق، ص 268.